



ليلي افغانستان كجاست، مجنون كيست

همایش بزرگ قومي در کابل که با حضور بیش از ۳ هزار تن از رهبران قومي و بزرگان قبایل افغانستان برگزار شد به صراحت از نهادهای قدرت ملي و بين المللي درخواست کرد تا برای برقراري صلح با طالبان و حزب اسلامي به رهبري " گلبدين حکمتيار " به مذاکره پردازند. این درخواست پس از ۷ سال که از جنگ بر علیه تروریسم در این کشور، به رهبري ایالات متحده و ائتلاف بين المللي تحت امر پیمان آتلانتیک شمالي (ناتو) مي گذرد تصویر بدون شرح کاریکاتور افغانستان امروز است. حقیقت در آنجا جالب تر مي شود که در گذشته نیز " حامد کرزاي " رئیس جمهور این کشور اعلام کرده بود که اگر آدرس " ملا عمر " و حکمتيار را مي دانست نمایندگان را برای مذاکره با آنان مي فرستاد. اما لازم نبود تا کرزاي آدرس این رهبران را بداند چرا که آنان خود در مراسم به اصطلاح پیروزي مجاهدین که با رژه نیروهای نظامي و حضور مقامات ارشد سياسي داخلي و خارجي انجام گرفت تروریست هائی را برای پذیرائی از رئیس جمهور و مهمانان این مراسم به شرف حضور فرستاده بودند.

سوقصد و عملیات ترور در جایگاه کرزاي و مهمانان ویژه که منجر به کشته و مجروح شدن چند عضو پارلمان گردید بیش از همیشه نشان داد که دولت ملي و نیروهای ائتلاف در افغانستان بعد از این همه مدت جنگ با تروریست ها و طالبان، امروز در نقطه اي قرار گرفته اند که در قلب کابل و در بیخ گوش ارشدترین مقامات کشوري و

بين المللي آماج گلوله و موشك هاي آنان قرار مي گيرند. پيشروي نيروهاي طالبان و حضور اکتيو آنان در پايتخت در شرايطي که نبرد با تروريسم در مرکز توجه جهاني قرار دارد و اولويت اول سياست خارجي دولت جورج بوش رئيس جمهور امريکا به حساب مي آيد، هرگز به عنوان يك موضوع ساده نبايد از کنار آن گذشت. اينکه کرزايي يا بزرگان قومي - قبيله اي افغانستان به اين نتيجه رسيده اند که با طالبان و بنيادگرايان دامنه هاي هندوکش به تفاهم و مصالحه برسند، پايان يك دوره تاريخي است که بطالت به اصطلاح سياست نوليبرال " اهميت مفهومي " دنياي غرب را در مواجهه با شرق رقم زده است .

از زاويه ي ديگري نيز مسائل و مشکلات افغانستان اهميت خاص خود را دارد و به عنوان "جعبه پاندوراي" جهان غرب در برخورد با پديده هاي هر چند ناخوشايند شرقي خود را به رخ مي کشد. شکاف در ساختار ناتو به جهت اعزام نيرو و حضور در مناطق جنگي جنوب و غرب اين کشور در طي يك سال اخير کارآئي و موجوديت اين پيمان سياسي - نظامي را در مواجهه با معضلات بين المللي به نمايش گذاشته است. به غير از بریتانيا، تاکنون هيچ کشور اروپائي عضو ناتو حاضر به ورود به منطقه جنگي و خاکريزهاي اول نبرد نشده است و حتي وعده افزايش نيرو که در آخرين اجلاس ناتو در بخارست توسط فرانسه و ديگران داده شد نيز ناقض اين پارادوکس غير قابل حل نخواهد بود. واشينگتن به درستي مي داند در جهان معاصر و سيستم تک قطبي فعلي نيز همچون گذشته اين ضرب المثل که " تمام راه ها به رم ختم مي شود " مصداق واقعي خود را اثبات کرده است و سود و زيان تمام مسائل کنوني با چرتکه کاخ سفيد مي بايست محاسبه گردد. به همين دليل در طي ماه جاري آنان ابتدا اعلام کردند که ۳ هزار نيرو و سپس چند هفته بعد گفتند که ۷ هزار نيروي نظامي را به افغانستان اعزام خواهند کرد و همچنين از قصد خویش براي بر عهده گرفتن رهبري ناتو در افغانستان خبر دادند. در حالي که نيروهاي معارض طالبان و تروريست هاي القاعده اي به ضعف هاي دولت مرکزي و نيروهاي ناتو و عدم کارآئي آنان در طي اين سال ها براي کسب رضایت مردم افغانستان به خوبی واقف شده اند، گسترش دامنه عمليات

نظامي و بي ثبات کردن اوضاع امنيتي را در دستور کار خویش قرار داده اند. حضور گسترده تر نیروهاي آمريكائي در افغانستان در چارچوب سياست هاي نظامي - امنيتي فعلي آنان هر چند که در کوتاه مدت مي تواند دستاوردهاي نظامي به همراه داشته باشد، اما نه تنها گره اي از مشکلات اين کشور نمي گشايد که شايد خود موجبي براي گسترش بيشر ناآرامي و بي ثباتي ها در آينده نیز بشود. طالبان و به طور کلي بنيادگرائي مذهبي در منطقه خاورميانه و شبه قاره هند يك موجوديت بسيار ناخوشايند و خطرناکي است که در آينده مي تواند مانع از رشد بهنجار اين منطقه از جهان در دنياي ديجيتالي امروزي شود. ولي همين موجوديت منفي يك واقعيت گريزناپذير است که نادیده گرفتن آن مي تواند موجب گمراهي و تبعات پيش بيني نشده و بر هم زننده توازن اجتماعي در منطقه شود. راه مبازه با بنيادگرائي تروريستي قبل از آنچه نظامي و سلبی باشد ارتباط با زيرساخت سازي سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي و ارائه اثباتي يك گزينه بدیل و مشروع خواهد داشت. اينکه امروز در افغانستان همه انگشت تعجب به دندان گرفته اند نشانه جهالت ديگران براي کسب اهداف نامشروع واقعي و اهداف ادعائي ذهني دارد که جنبش هاي اجتماعي را حتي از نوع ارتجاعي آن در قالب هاي فيزيکي تعريف مي کند. چنين درك مکانیکی از معضلات هزارتوي منطقه اي موجب شده است تا راه حل آن نیز در چارچوب اقدامات فيزيکي مورد توجه قرار گیرد که همين مسئله گردش در يك سيکل معکوس و معيوب را امروزه به نمايش گذاشته است. موقعيت امنيتي، وضعيت سياسي، شرايط اجتماعي، هويت فرهنگي و جايگاه اقتصادي افغانستان خارج از آرمانگرائي هاي دنياي مدرن بايد مورد توجه قرار گیرد و هرگونه اميد به جهش هاي خارج از قاعده تاريخي و اجتماعي از پيش شکست خورده محسوب مي شود.

برگرفته از سايت فرهنگ و توسعه

www.ayenda.org